

تو پرستار عاطفی نیستی ! (آنچه پدر و مادرتان به شما نگفته اند)



دختری ۲۵ ساله هستم. زیبا. پدر و مادرم هر دو فرهنگین. خودم دانشجوی دندان پزشکی .

تا الان دوستی با جنس مخالف رو تجربه نکردم. خواستگار داشتم اما تا الان هیچ پسری به دلم نشسته. دوس دارم با عشق ازدواج کنم.

یک و ماه و خرده ای میشه یه اقا پسر 25 ساله بهم پیشنهاد دوستی داده. اولین پسریه که مهرش به دلم نشست. (رامین قبل از من با یه دختر خانم به مدت ۵ سال دوس بوده و عاشقش بوده. اما رابطشون با خیانت دختر خانمه تموم میشه. ۸ ماهی میشه که رابطشون کات شده.

رامین از اولش گفت دوست باشیم. تو این مدت ۷ مرتبه با هم بیرون رفتیم. من بیشتر نقش یه پسر رو بازی کردم و نازشو کشیدم. گفتم زخم خوردس باید کمکش کنم. اما تو این مدت اون همش غمگین بود و خنده هاش همه تصنعی بود. یه روز زنگ زد گفت بیا جد بشیم. گفتم چرا. گفت داریم به هم وابسته میشیم. گفت من و تو هیچوقت به هم نمیرسیم. چون تا آخر عمرم قصد ازدواج با هیچ دختری ندارم. ولی گفت از حال هم خبر داشته باشیم. حرفش اونقدری واسم سنگین بود که کارم به روانپزشک کشیده شده. من با تموم وجودم میخوامش . اما اون منو با یه دلیل غیر قابل درک پس زد.. دکتر شما بگین من چیکار کنم .. خواهش میکنم کمکم کنید .. من فقط محبت رامین رو میخوام

=====

سارا جان

تو داری گندترین اشتباه زندگیت را میکنی چون مهرطلبانه رفتی تو رابطه با رامین

طرف زخم داره به تو چه ربطی داره ؟ میگه پرستار عاطفی پسره ای؟

الان سن برنامه ریزی و حسابگری ازدواجه نه اینکه بری آدمهای له شده را "له زدایی" کنی

ازش با قدرت فاصله بگیر تا بفهمه دل تو ، "کلینیک عاطفی" نیست و بره خودش را جمع و جور کنه

و غمهاش را به عنوان یک آدم بالغ باید حل و فصل کنه

بعدش حواست باشه شاید به شکل ناخودآگاه (پیش نویسی) ، از مادر یا پدر یا یک آدم مهم قدیمی ،

یادگرفته ای جز با نقش خواهر نمیتونی در رابطه با یک مرد باشی و هویت یابی کرده ای با این نقش، در

این صورت تا یاد نگرفته ای که به عنوان یک (دختر-ماده) لیاقت داری محبتهای یک مرد را دریافت

کنی و حساسیتهاش را داشته باشی، نباید در یک رابطه اشتباه پیش بری !

از این جمله ها دیگه ننویسی : من فقط محبت او را میخوام ! شاید این جمله را تو یک سنی ، از یه آدم

نزدیک زندگیت یاد گرفته ای (شاید مامان یا بابا) الان جایگزینش بکن : من لیاقت محبت سالم دارم و

اگر کسی ناتوانی داره ناشی از نقص من نیست



تحلیل بر اساس نظریه Transactional Analysis

رامین با این الگو میره شکار دختران مفلوک :

- ژست مرد زخمی را خوردن
- توجه دختران خود کم بین و مهرطلب را جلب کردن
- هویت یابی دختر با نقش تیمارداری و پرستاری به جای نقش مساوی دختر-پسری
- عقب نشینی پسر و اعلام غیر مستقیم اینکه "من زخمی ام و بهت گفته باشم که مسوولیتی اخلاقاً متوجهم نیست"
- درگیری ذهنی دختر مهرطلب با این عقده که "I'm not good enough" = من به اندازه کافی خوب نیستم که توجه مدام یک پسر را داشته باشم که این عقده برگرفته از عقده قدیمتری است که به شکل پیش نویس عاطفی emotional script تو زندگی دختر بوده از قبل . با فعال شدن عقده دختر دست و پا میزند تا با باج دهی عاطفی بیشتر رابطه را نگه دارد و اینطوری رابطه به قهقرا پیش میرود
- پس زده شدن کامل دختر و کفتر جلد شدن و زنگ تفریح بودن هرازگاهی واسه شکارچی (دلش خوشه هر ازگاهی پیامکهاش را جواب میده یا دو دقیقه تلفنی صحبت میکنند !)
- بدیش اینه پسر خودش در رابطه ای دیگه همزمان همین نقش قربانی را دارد ! و این لوپ معیوب مثلث کارپمن (جلاد- قربانی- رابین هود) ادامه دارد مگر اینکه بالغانه بازی را بشکند

برای معلومات بیشتر از کتاب ایان استوارت استفاده کنید : تحلیل رفتار متقابل یا کلاس سایه های شخصیتی بحث پیش نویس عاطفی را فروردین 93 تشریف بیاورید یا جلسه مهرطلبی از دوره شخصیت سالمتر

مطالب مشابه :

- [مرز بین صمیمیت و سریش بودن در رابطه عاطفی \(آنچه پدر و مادرتان به شما نگفته اند - هر کی ما را رها میکنه میگه "تو دختر خیلی خوبی هستی ولی..."](#)
- [آنچه پدر و مادرتان به شما نگفته اند : نکن این بازی روانی را !](#)

See more - [مرز بین صمیمیت و سریش بودن در رابطه عاطفی \(آنچه پدر و مادرتان به شما نگفته اند](#)

at: <http://doctorshiri.com/fa/#sthash.DlXpxK4.dpuf>